

کت سفید ساخت ایران

ایمان گودرزی

خبرنگار ورزشی

با حضور کارلوس کی‌روش با کت عنابی روی سکوی استادیوم‌های قطر باید مطمئن

باشیم که او سرمربی بعدی تیم ملی قطر خواهد بود. با اینکه تاکنون هنوز هیچ چیزی به صورت رسمی تأیید یا تکذیب نشده اما تمام شواهد از پایان همکاری کی‌روش و تیم ملی ایران خبر می‌دهد و باید مثل ۴۰ روز گذشته منتظر باشیم ببینیم که آینده این

نیمکت خالی به دستان چه کسی سپرده خواهد شد. بحث بر سر جایگزینی مرد پرتغالی یکی از سردرآوردترین مسائل این روزهای فدراسیون فوتبال است. به نظر می‌رسد تنها در یک صورت فردی خارجی روی نیمکت ایران می‌نشست که کی‌روش در تیم ملی می‌ماند

در غیر این صورت گزینه تیم بدون شک ایرانی خواهد بود. در مورد گزینه‌های ایرانی نیز انتخاب به همین راحتی نیست. انتخاب از بین مربیان شاغل در تیم‌های مدعی لیگ یا سرمربی بدون تیم؟ اگر فدراسیون به سمت سرمربیان شاغل لیگ

در تیم‌های مدعی برود، داستان جواد نکونام تکرار خواهد شد. بدون تردید باشگاه‌ها حاضر نیستند وقتی تیمشان را ابتدای فصل برای قهرمانی و با هزینه‌های میلیاردی بسته‌اند به همکاری خود با سرمربی پایان دهند و به تیم ملی بفرستند. از طرف دیگر سرمربی هم که

تیم بزرگی در اختیار نداشته باشد یا آزاد باشد به نظر نمی‌رسد آینده روشنی را برای تیم ملی رقم بزند. البته با این وقت‌کشی که در حال حاضر از فدراسیون شاهد هستیم حتی اگر پپ گواردیولا هم به ایران بیاید کاری برای تیم ملی از دستش بر نخواهد آمد.

رازهای مدیریت؛ چطور مربی جذب کنیم؟

سینا فتوت

خبرنگار

اگر رشته تحصیلی شما مدیریت است، می‌توانید از این شرایط استفاده کنید و رفتارها و مصاحبه‌های مدیران فدراسیون را در قالب واحدهای درسی یاد بگیرید. یک کلاس درس کاملاً مجانی! شاید در نهایت مدیر خوبی نشوید اما قطعاً مدیریت بد و پر از ایراد را یاد می‌گیرید. اصول مدیریت مهدی تاج و همکاری‌اش ایجاب می‌کند هیچ استراتژی مشخصی برای انتخاب سرمربی تیم ملی به فاصله بسیار کم تا جام ملت‌های آسیا نداشته باشند. هیچ کس نمی‌داند تیم ملی نیاز به سرمربی خارجی دارد یا داخلی. اینها یکسری راز مدیریتی است که فقط تاج و اطرافیان‌ش بلد هستند. آنها با چند ایچنت برای جذب مربیان خارجی از جمله هکتور کوپر مذاکره می‌کنند و در رسانه‌ها می‌گویند مربی بعدی تیم ملی، یک مربی ایرانی است! تمام فوتبال جهان را زیر و رو کنید؛ اگر به چنین شکلی از مدیریت رسیدید، جایزه دارید. حتی کشورهایی که به تازگی عضو فیفا شده‌اند، نمی‌توانند چنین دیدگاه غیرشفافی داشته باشند. تصور کنید یکی از بهترین تیم‌های قاره آسیا، یکی از ۳۲ تیم در ۳ جام جهانی اخیر، حتی نمی‌داند سرمربی بعدی‌اش ایرانی است یا خارجی. برای امروز، تا همین جا کافی است!



مزایده نیمکت تیم ملی از ترس ویلموتس چای؟

کامبک به سیاهچال

قصه تازه آغاز شده. قصه‌ای پرغصه که در حقیقت یک بازگشت به عقب وحشتناک است. بعد از قریب به یک دهه دوباره سرمربی ایرانی حوالی نیمکت تیم ملی افتاده. سایه‌های که پیش از هر چیزی محصول انفعال، بی‌کفایتی و البته ترس متولیان فدراسیون فوتبال است که از ترس موش به گربه که نه به گفتار می‌خواهند پناه ببرند.

کارلوس کی‌روش هفته گذشته با انتشار پستی اینستاگرامی بالاخره به کشمکش ۲ ماهه اخیر پایان داد و جدایی‌اش از تیم ملی فوتبال کشورمان را رسماً اعلام کرد؛ موضوعی که انتظار می‌رفت با توجه به نتایج دور از انتظار تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۲، لااقل با واکنش زودتر فدراسیون فوتبال مواجه شود اما مطابق همیشه فدراسیون مقابل کی‌روش دست‌پایین را داشت.

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال در نخستین واکنش به پایان همکاری تیم ملی با کی‌روش گفت: «همیشه ما مربیان داخلی افتخارآفرینی کردیم. محدودیت‌هایی درباره مربی خارجی داریم و تحریم در کشور ما وجود دارد. اگر پول نقد هم اینجا داشته باشیم، انتقال آن به خارج از کشور عملیاتی نیست. اگر یک مربی بنام داشته باشیم که رزومه خوبی داشته باشد، باید پول بدهیم.»

لزوم برگزاری کلاس آموزشی برای تاج

4

جالب اینجاست که مهدی تاج با اتکا به روابط حسنه‌اش با سران فیفا و AFC توانست گوی رقابت را در انتخابات فدراسیون فوتبال از سایر رقبای برابرید. آیا در خلال این روابط دوستانه هیچ راه‌حلی برای پرداخت مطالبات ماهانه یک سرمربی جدید خارجی اندیشیده نشده؟ کسی که برای حل مشکلات به صندلی ریاست فوتبال ایران رسید، چطور هیچ راهی برای توافق با یک مربی مؤلف خارجی ندارد؟! بحث تحریم‌ها و مسائل بانکی هم بهانه‌ای بیش نیست؛ همین الان وسایل و ویویویج در تیم ملی هندبال، پدرو سنا در تیم ملی قایقرانی، الکساندر چیرچ در تیم ملی واترپلو و مهت پجیروویج در تیم ملی هندبال به عنوان سرمربی یا مدیرفنی در حال کار هستند. آیا تحریم‌ها به شکل اختصاصی علیه فدراسیون فوتبال طراحی شده یا تاج و پاران‌ش حوصله کار اصولی و درست را ندارند که چنین حرفی زده‌اند؟

به‌طور حتم این بهانه‌جویی‌ها که ناشی از ترس مهدی تاج از تکرار قرارداد ننگین ویلموتس‌چای بوده، هیچ توجیه منطقی و درستی ندارد. اگر بر فرض چنین بهانه‌های واقعیت هم داشته باشد، بهتر است رئیس فدراسیون فوتبال توسط رؤسای بسکتبال، واترپلو، هندبال یا قایقرانی یک دوره آموزشی فشرده را بگذرانند تا راه و رسم پرداخت پول به خارجی‌ها در شرایط تحریمی را هم یاد بگیرد و دیگر دسته‌گلی به آب ندهد!

ترس از تکرار ویلموتس چای؟

2

تراکتور با پاکو خمس، استقلال با ریکاردو سائینتو و حتی صنعت نفت با آندسون توارس که هر کدام از اینها به علاوه زوزه مورایس که سابقاً دستیار زوزه مورینیوی پرافتخار بوده، تاکنون در حال همکاری هستند و به‌طور قطع مطالبات آنها را سر وقت و به‌جا پرداخت کرده‌اند

که مشکلی پیش نیامد. سؤال اینجاست که آیا رئیس فدراسیون فوتبال با راهکارهای قانونی پرداخت پول به مربیان آشنا نیست؟ به نظر می‌رسد مهدی تاج که در قصه پرغصه توافق ننگین با مارک ویلموتس نقش مهم ردیف اول تضییع بیت‌المال را ایفا کرده، دیگر چشمش به کلی از مربی خارجی ترسیده و چون مارگزیده از ریسمان سیاه‌وسفید هم زرد می‌کند، عطای جذب یک مربی خارجی مؤلف و نامدار دیگر برای نسل‌سازی در تیم ملی فوتبال و کسب نتایج خوب در جام ملت‌های آسیا را به لقای آن بخشیده است.

تیم‌های لیگ برتری جلوتر از فدراسیون

1

این اظهارنظر عجیب در شرایطی از سمت عالی‌ترین مقام فوتبال ایران به زبان آمده که همین الان ۴ سرمربی خارجی صاحب‌نام و با کارنامه در حال فعالیت در لیگ برتر فوتبال کشورمان هستند و با گذشت بیش از نیمی از مسابقات فصل لیگ، هنوز هیچ مشکلی در بحث انتقال پول و یا مسائل مالی بین آنها و باشگاه‌های‌شان به‌وجود نیامده و خبری هم از شکایت و دادگاه‌بازی توسط مربی‌ها نیست. مشخص نیست تاج با چه ادله و مستندات چنین بحث عجیب نسنجیده‌ای را پیش کشیده. انگار رئیس فدراسیون فوتبال آن قدر درگیر داستان‌های بی‌پایان داخلی فدراسیونش شده که یادش نیست زوزه مورایس چند ماه است که سرمربی تیم فوتبال باشگاهی شده که مدیرعامل آن اکنون عضو هیأت‌رئیس فدراسیون فوتبال و یکی از اعضای حلقه معتمدین اصلی اوست. او حتی سائینتو و خمس را هم نادیده گرفته که با اسم و رسمی مطرح به فوتبال ایران آمده‌اند و روی نیمکت دو تیم مهم ایران نشسته‌اند.

کارنامه پوچ مربیان ایرانی در تیم ملی

3

تأکید تاج بر توافق با سرمربی ایرانی برای تیم ملی از جهت دیگری هم قابل نقد است؛ آیا رئیس فدراسیون فوتبال یادش نیست که در دوره‌های گذشته نتیجه همکاری فدراسیون با سرمربی‌های ایرانی چه بوده؟ از امیر قلعه‌نویی و علی پروین گرفته تا علی دایی و افشین قطبی، نام‌هایی هستند که به‌عنوان سوپرستار لیگ به تیم ملی آمدند و با سرافکندگی و ناکامی تمام عیار از نیمکت تیم ملی برکنار شدند. امثال اسامی بالا در شرایطی به تیم ملی آمدند که به واقع سوپرستار مربیگری کشورمان لقب داشتند و با قهرمانی و نتایج خوب صاحب سکان هدایت تیم ملی شدند. حالا که

حتی سرمربی قهرمان لیگ گذشته هم در فوتبال ایران نیست؛ چطور رئیس فدراسیون و حتی وزیر ورزش و جوانان راضی به انتخاب سرمربی ایرانی شده‌اند؟ البته اصلاً کدام سرمربی موفق که لایق تیم ملی باشد! جواد نکونام، یحیی گل‌محمدی، فرهاد مجیدی و یا هر اسم دیگری که این روزها مطرح شده؛ قطعاً در حد و اندازه‌های روزهای اوج علی پروین، علی دایی و امیر قلعه‌نویی هم نیستند. تیم ملی با آن اسامی از راهیابی به جام جهانی بازماند و نتایج درخوری هم در جام ملت‌ها نگرفت؛ با چه متر معیاری تاج انتخاب سرمربی ایرانی را که تازه در حد این اسامی نیست به صلاح تیم ملی دانسته است؟

ناکام‌های مدعی

امیررضا همایون

خبرنگار ورزشی

با خداحافظی رسمی کارلوس کی‌روش از تیم ملی و فوتبال ایران پروژه سرمربی جدید تیم ملی به صورت رسمی برای فدراسیون فوتبال آغاز شده؛ پروژه‌ای که البته سایه روشن‌های زیادی خواهد داشت. یکی از سایه روشن‌های این مسیر، پرسش همیشگی مربی ایرانی بهتر است یا خارجی را رو به روی ما قرار می‌دهد.

البته پاسخ این سؤال با توجه به مصاحبه‌های اخیر مسئولان ورزش ایران مبنی بر انتخاب مربی ایرانی به‌عنوان جانشین کی‌روش مشخص است و به نظر می‌رسد در نهایت هم سرمربی ایرانی روی نیمکت تیم ملی بنشیند. آنچه باز هم ابهامات زیادی را پیش روی ما قرار خواهد داد.

اولین و مهم‌ترین علامت سؤال آن است که به ذهن خطور می‌کند، این است که مربیان ایرانی با چه سابقه‌ای پس از ۱۲ سال به تیم ملی بازمی‌گردند؟ اوج حضور افشین قطبی هم آخرین مربی ایرانی‌ها روی نیمکت تیم ملی به پس از جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان بازمی‌گردد که فدراسیون شرایط ویژه‌ای را سپری می‌کرد و تیم ملی هم با مربی ایرانی به تورنمنت‌های پیش روی خودش اعزام شد. مربیانی که در بازه زمانی پنج ساله ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ با تیم ملی ایران تکیه زدند، جزو برترین‌های آن زمان بودند که هیچ کدامشان موفق نشدند با تیم ملی به موفقیت برسند و تمام مربیان ناکام و ناموفق بوده‌اند.

افشین قطبی هم آخرین مربی ایرانی‌ها روی نیمکت تیم ملی بود که در ۱۲ سال گذشته روی نیمکت تیم ملی نشست و او هم موفق نشد به جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی صعود کند و در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱ قطر نیز ناکام بود. با توجه به شرایطی که فوتبال ایران سپری می‌کند، باید منتظر بازگشت به دوران پیش از سال ۲۰۱۰ با مربی ایرانی باشیم. نکته جالب ماجرا این است که این مربیان هر زمان که بحث انتخاب مربیان ایرانی می‌شود، بدون توجه به سابقه سیاه گذشته خودشان گزینه‌های هدایت یوزها هستند.

راه ۱۰ ساله در ۲ سال

مجید جلالی

مربی و کارشناس فوتبال

برای ارزیابی عملکرد کارلوس کی‌روش در تیم ملی ایران باید پارامترهای متعددی را لحاظ کرد. کی‌روش سال‌های زیادی در فوتبال ایران بود و باورهای قوی و تازه‌ای به فوتبال ما داد. خدماتی را ارائه کرد و البته کارهایی کرد که جای نقد دارد. به اعتقاد من جام جهانی قطر نشان داد که کی‌روش نمی‌تواند چیز تازه‌ای را به فوتبال ما عرضه کند. به همین خاطر تغییرات در کادرفنی تیم ملی یک ضرورت بود. برای آینده کار ما دشوارتر است. واقعیت این است

در طول این سال‌ها بخصوص ۱۰ سال گذشته فوتبال آسیا رشد چشمگیری کرده است. ما هم پیشرفت کردیم، ولی صادقانه بخواهم بگویم اگر آنها ۱۰ برابر پیشرفت کردند ما ۲۰ برابر پیشرفت کردیم. سرعت پیشرفت حرفان آسیایی خیلی بیشتر از ما بوده است. الان ما در آسیا رقبای تازه‌تری داریم. واقعاً کارمان سخت‌تر است ضمن اینکه ما پیرترین تیم در جام جهانی بودیم. قطعاً با تیمی که به جام جهانی رفته نمی‌توانیم به جام ملت‌های سال آینده برویم. تغییر نسل و تغییر دیدگاه برای فوتبال ما یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. بحث درباره ظرفیت لازم برای تغییر نسل در تیم ملی هم وجود دارد